



۲۰۱۵/۱۲/۱۹



احسان الله مایار

ابراز نظر ناچیز بالای «کوران نشین از بغداد خبر دارند»

برادر دانشمند استاد نگارگر!

نوشته شما در سایت تازه به جهان رسانه ها قدم گذاشته آریانا افغانستان آنلاین، زیر عنوان «کوران خانه نشین از بغداد خبر دارند»، با علاقمندی خاص مطالعه کردم و آموختم. بنیاد این اثر بالای علم و دانش وسیع شما اعمار گردیده که نیمچه ملاها بایست از آن بیاموزند و جهان امروز را که انسان ها در صدد راه یابی و کاوش به کهکشانها تحقیق می کنند و عملاً صفینه های شان در راه لایتنامی در پرواز اند با دیروز متحجر شان، مقایسه نکنند. خطری که در قبال گفته های این نوع مبلغین به نام اسلامی می بینم در آنست که در جوامع نا آگاه از جهان و دست آورده های شان مانند کویه راه دارند و انسانهای بیگناه مظلوم را به نام اسلام به بیراهه می کشانند.

حین نوشتن این مقال در ذهنم یادم از سالهای پار که در پشاور سروکار داشتم به خاطر سر بالا کرد که یگانه فارغ البالی بنده در چند ساعت محدود در هفته، بازی گلف بود. زیبایی گلف در آنست که شما می توانید به تنهایی عقب توپ گلف بالای چمن های وسیع در حرکت بوده و با خیال خود در جهان دیگر قدم بزنید. در بازی گلف یک نفر بنام کادی که در پالیدن توپ لای انبوه درختان و همچنان انتقال دنده ها در بکس گلف کمک می کند می تواند هم صحبت خوبی بوده و از محیط و ماحول آن معلومات به دست آورد.

یکی از آنها که اسمش صمدخان و بی سواد بود همه وقت مورد توجه ام بود، زیرا یک انسان جوان خوش صحبت و از محیط خود واقف بود.

صمد خان چند ماهی از نظرم غایب شد و روزی وی را دوباره در بین کادی ها با محاسن انبوه دیدم که از شناخت برآمده بود. وقتیکه در کلب رسیدم یک نفر محاسن دار نزد آمد و بعد از سلام دانستم که وی همان صمدخان است. بکس دنده های گلف را به شانه انداخت و از وی پرسیدم در این مدت طولانی کجا بودی؟ به جواب گفت رفته بودم در دهات برای تبلیغ دین!

با تعجب ازش پرسیدم تو سواد نداری چی و چطور تبلیغ میکنی؟ با تبسم گفت تبلیغ دین به سواد ضرورت ندارد، صرف رساندن پیام ملا صاحبان است تا به خلق الله برسد.

این بود مختصر رویدادی از روش زندگی و مردمی که بایست برای شان راه حقیقت با چراغ علم و دانش باز گردد که اعتراف می کنم راه و چاره آنرا نمی دانم.

مطلب دومی که در نوشته عالمانه شما نظرم را جلب کرد و بی نهایت مهم است، می خواهم آنرا بار دیگر روی مونیتر ببآورم تا در اطراف آن چند سخنی در میان آورم .

شما می نگارید که: « من به جهادی که عربستان سعودی بر ضد تروریسم اعلان کرده است چندان اعتقاد ندارم و می ترسم که این ممکن سبب جنگ های دراز مدت در میان مسلمانان شود...»

جملات بالا از نوشته شما یک جهان بزرگ مطالب را در بر می گیرد که بایست درباره بیشتر فکر کرد و عمیقتر در مورد کاوش نمود.

با کمک انترنت می یابیم که عربستان سعودی در زمره بزرگترین مولد نفت در جهان بوده و بدون هیچ گونه شک ادعا کرده می توانیم که نفت در حقیقت یکی از شاخص های مهم حکمرانی در رویداد های سیاسی و اقتصادی روزمره زندگی ما بوده که نمیتوان آنرا خارج از محاسبه در قضایای جهانی تصور کرد .

در لست پائین اقتباس شده از وایکی پدیا می بینیم که عربستان سعودی بعد از فدراتیف روسیه در ردیف دوم مولدین نفت جهانی قرار دارد، لیک متوجه می شویم که تفاوت تولید بین دو کشور در فیصدی تولید جهانی باهم مساوی بوده و از اینرو هر دو کشور را میتوان در ردیف اول قرار داد .

قرار راپور eia ، اداره انفارمیشن انرژی ایالات متحده که آخرین احصائیه سال ۲۰۱۴م را در بر می گیرد می بینیم که ایالات متحده در سال ۲۰۱۴م، ۶,۹۷ بلیون(میلیارد) بیرل، صورت متوسط ۱۹,۱۱ ملیون بیرل مواد نفتی مصرف نموده است.

ایالات متحده مجبور است که تفاوت بین تولید و مصرف نفت مورد ضرورت حیاتی خود را وارد کند و عربستان سعودی یکی از مهمترین صادرات کنندگان نفت به امریکا می باشد .

According to the International Energy Agency (IEA), in ۲۰۱۲ over ۶۴% of world oil production came from the top ten countries: Russia ۵۴۴ Mt (۱۳%), Saudi Arabia ۵۲۰ Mt (۱۳%), United States ۳۸۷ Mt (۹%), China ۲۰۶ Mt (۵%), Iran ۱۸۶ Mt (۴%), Canada ۱۸۲ Mt (۴%), United Arab Emirates ۱۶۳ Mt (۴%), Venezuela ۱۶۲ Mt (۴%), Kuwait ۱۵۲ Mt (۴%) and Iraq ۱۴۸ Mt (۴%). Total oil production was ۴,۱۴۲ Mt, up ۳% from ۴,۰۱۱ Mt the previous year.

بر علاوه می بینیم که :

on ۳ March ۱۹۳۸.[۶] This discovery would turn out to be first of many, eventually revealing the largest source of crude oil in the world.[۷] For the king, oil revenues became a crucial source of wealth since he no longer had to rely on receipts from pilgrimages to Mecca. This discovery would alter Middle Eastern political relations forever.

ترجمه: در سوم ماه مارچ ۱۹۳۸ معلوم شد که این کشف اول از جمله بیشترها احتمال پیدایش منابع نفت خام در جهان باشد. برای پادشاه عواید نفت منبع بزرگ ثروت گردید و بیشتر به عایدات از طریق حجاج در مکه چشم تکیه نمی کرد. این کشف(نفت) میتوان روابط سیاسی شرق میانه را برای همیشه تغییر دهد .

در سال ۱۹۳۱م ایالات متحده امریکا دولت ابن سعود، پادشاه عربستان سعودی را به رسمیت شناخت، لیک اولین سفیر امریکا در عربستان در سال ۱۹۳۹. بارت فیش سفیر ایالات متحده در مصر در سال ۱۹۴۰ اعتمادنامه خود را در جده به پادشاه عربستان سعودی تقدیم و دفتر سفارت را به تاریخ ۱ می ۱۹۴۲ افتتاح نمود .

توجه نمائیم که بعد از کشف منابع نفتی در سال ۱۹۳۸، چهار سال بعد از آن سفارت امریکا در عربستان باز شد و امروز مهمترین پارتنر امریکا در جهان عرب همان اعراب بادیه نشین ۸۰ سال قبل است .

قرار معلوم در حال حاضر بیش از بیست هزار عسکر تا دندان مسلح ایالات متحده در ریاض برای دفاع و ثبات نظام شاهی عربستان سعودی آماده خدمت استند.

این مطلب را کنار گذاشته لیک از نظر دور قرار نداده مختصر مروری به اوضاع شرق میانه می نمائیم. ایالات متحده امریکا بالای عراق حمله و یک کشور مستقل عضو سازمان ملل را اشغال کرد و رئیس جمهور منتخب کشور را، بهر شکلیکه انتخاب شده بود، اعدام کرد. حزب بعث که قدرت اداره کشور را به دست داشت منحل گردانید و در یک لحظه هزاران انسان و خانواده های شان را محتاج به اعاشه نمود.

این پروسه نامعقول جنگ عراق که مادر همه بدبختی های امروزی در شرق میانه است می توان بنیانگذار خلافت داعش (دولت اسلامی عراق و شام) نامید که اکثر نظامیان تعلیم یافته پارتی بعث صدام حسین در آنجا جنگ فرسایشگر را در منطقه پیش می برند. قرار معلوم داعش و یا آی اس حصه ای بزرگ منبع نفت خیز سوریه را در تصرف خود دارد و قرار راپوریکه دیروز در روزنامه واشنگتن پست مطالعه کردم، روزانه بیش از میلیون دالر از مدرک فروش آن به دست می آورد .

نسبت به حمله تروریستی اخیر در پاریس پای ایالات متحده در جنگ سوریه کشانیده شده و یک تعداد از کشورهای ناتو بدون گسیل عساکر در جبهه جنگ با بمباردمان منطقه زیر رهبری ایالات متحده عمیقاً شامل شده اند. روسیه که قبلاً به کمک بشار الاسد با ساز و برگ مدرن نظامی شتافته بود با قوای ایالات متحده، باوجود تفاوت نظر در مورد رئیس جمهور سوریه، بمباردمان طیارات خود را هم آهنگ گردانیدند.

در این لحظه خاص امریکا سعی می کند که به هیچ وجه و تحت هیچ نوع شرایط جنگ در سوریه و علیه آی اس جنگ بین ادیان توجیه شود. امریکا جنگ منطقه را مانند افغانستان تحت عنوان «جنگ علیه تروریسم» پیش می برد و فکر میکنم که این یک تاکتیک و پالیسی درست است. در حال حاضر امریکا در کشور خود با این معضله غامض، عداوت با اسلام، روبرو است و تا جائیکه دیده می شود بعضی از کاندیدان حزب جمهوری به شدت علیه مسلمانها تبلیغ می کنند .

به عقیده ناچیز بنده باور می کنم امریکائیاها برای حل معضله جنگ علیه آی اس، عربستان سعودی را که بدون حمایه امریکا در منطقه با دشمنان مذهبی در منطقه، خاصاً دولت اسلامی ایران و توسعه نفوذ شیعه های ایران در عراق و دست داشتن مستقیم در جنگ سوریه و یمن، با مشکلات عظیم دست به یخن خواهد بود عمیقاً حمایه و کمک می نماید .

عربستان سعودی در صدد تشکل یک ائتلاف بزرگ اسلامی علیه داعش است. از طریق رسانه ها می دانیم حتی سفیر عربستان سعودی از حکومت کابل نیز تقاضا نموده تا در این ائتلاف سهم بگیرد، از همان نظامیکه خود با داعش تا گلو با داعش در جلال آباد در جنگ غرق است .

بنده با ترسیکه دانشمند گرامی آقای نگارگر نسبت به تطویل جنگ در منطقه دارد هم‌نوا بوده و قابل فهم است. دامنه جنگ با داعش به رهبری عربستان سعودی و در پهلوی جنگ ائتلافیون اروپائی به رهبری ایالات امریکا از نوع همان جنگ‌های فرسایشی خواهد بود که ختم آن از تصور بنده خارج است. با روابط عمیق و نزدیک ایالات متحده با عربستان دارد در واقعیت علیه داعش ایالات متحده می‌جنگد و لیک برای جهانیان بایست طوری وانمود کند که جهان اسلام علیه گروه ترور آی اس می‌جنگد. عربستان سعودی در منطقه بیش از همه از دولت اسلامی ایران بیم دارد، خاصتاً که روابط ایالات متحده با جمهوری ایران، خلاف خواسته اسرائیل و عرب سعودی قدم به قدم در وضع بهبودی پیش می‌رود، ترس عربها از جریانات اوضاع کنونی بیشتر می‌شود. برای اینکه موضوع به درازا نکشد با همین فشرده خاتمه داده و امید است که عقل جانشین احساسات شود و مشکلات دنیا و مخصوصاً شرق میانه را بیش از این توسعه نبخشد. پای

